

اعتراض ثالث حکمی از طرف وارد ثالث تبعی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۳، سال پنجم، شماره ۲۱،
صفحات ۱۳-۱

مهدی مقدم کلانتر
دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

دکتر محمد حسین عالمی
استادیار دانشگاه الزهرا

چکیده

در نظام حقوقی ایران، "اعتراض ثالث" به معنای اعتراض شخصی است که در دعوای بین دو نفر دیگر ذی‌نفع نبوده، اما حکم صادره در آن دعوا به حقوق وی لطمه وارد می‌کند. وارد ثالث تبعی کسی است که منافع او به طور غیرمستقیم به نتیجه دعوای اصلی وابسته است. به عبارت دیگر، حکم صادره در دعوای اصلی، به طور واسطه به حقوق او لطمه می‌زند. اعتراض ثالث تبعی زمانی مطرح می‌شود که یکی از شرایط زیر وجود داشته باشد: حکم صادره در دعوای اصلی، به طور نا مستقیم به حقوق مالی یا غیرمالی وارد ثالث تبعی لطمه بزند. وارد ثالث تبعی در دعوای اصلی حضور نداشته و فرصت دفاع از حقوق خود را پیدا نکرده باشد. حکم صادره در دعوای اصلی، برخلاف قانون یا موازین شرعی باشد. ثالث تبعی باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم، دادخواست اعتراض ثالث را به دادگاه صادر کننده حکم تقدیم کند. در دادخواست باید مشخصات کامل خواهان، خوانده و موضوع اعتراض به طور دقیق ذکر شود. در این مقاله در صدد این هستیم که اعتراض ثالث (حکمی، تبعی) به چه نحو و در چه شرایطی رخ می‌دهد و تا چه میزان در روند دعوا تاثیر می‌گذارد. ما در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای به گردآوری و جمع‌آوری داده‌ها و منابع تحقیق پرداخته ایم.

واژگان کلیدی: اعتراض ثالث، ثالث حکمی، ثالث تبعی، جلب ثالث، دعوا

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025 ,fifth year, Issue 21

Pages 1-13

Third-party objection to a ruling by a dependent third-party importer

Mehdi Moghadam Islamic Azad University, Chalus Branch
kalantar

Dr. Mohammad Assistant Professor, Al-Zahra University

Hossein Alemi

Abstract

In the Iranian legal system, "third party objection" means an objection by a person who is not a party to a dispute between two other people, but the judgment issued in that dispute harms his rights. A dependent third party is someone whose interests are indirectly dependent on the outcome of the main dispute. In other words, the judgment issued in the main dispute indirectly harms his rights. A dependent third party objection is raised when one of the following conditions exists: The judgment issued in the main dispute indirectly harms the financial or non-financial rights of the dependent third party. The dependent third party was not present in the main dispute and did not have the opportunity to defend his rights. The judgment issued in the main dispute is contrary to the law or Sharia standards. The dependent third party must submit a third party objection petition to the court that issued the judgment within 20 days of the date of notification of the judgment. The petition must accurately state the full details of the plaintiff, the defendant, and the subject of the objection. In this article, we seek to determine how and under what circumstances a third-party objection (judicial, consequential) occurs and to what extent it affects the litigation process. In this research, we have used the library method to collect and compile data and research sources.

Keywords: Third-party objection, adjudicative third-party, subordinate third-party, third-party appeal, litigation

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

مقدمه

در نظام حقوقی ایران، گاهی اوقات ممکن است حکمی که در یک دعوای حقوقی صادر می‌شود، به طور ناخواسته به حقوق شخص ثالثی که در آن دعوا حضور نداشته، لطمه وارد کند. در چنین مواردی، قانون به این شخص ثالث که به او "وارد ثالث" گفته می‌شود، حق می‌دهد تا نسبت به حکم صادره اعتراض کند.

انواع اعتراض ثالث:

اعتراض ثالث اصلی: زمانی مطرح می‌شود که حکم صادره به طور مستقیم به حقوق مالی یا غیرمالی وارد ثالث لطمه بزند.

اعتراض ثالث تبعی: زمانی مطرح می‌شود که حکم صادره به طور غیرمستقیم به حقوق مالی یا غیرمالی وارد ثالث لطمه بزند.

موضوع این مقدمه، اعتراض ثالث تبعی است.

ویژگی‌های اعتراض ثالث تبعی:

غیرمستقیم بودن اثر حکم: حکم صادره در دعوای اصلی، به طور واسطه به حقوق وارد ثالث تبعی لطمه می‌زند.

عدم حضور در دعوای اصلی: وارد ثالث تبعی در دعوای اصلی حضور نداشته و فرصت دفاع از حقوق خود را پیدا نکرده است.

قابل طرح بودن فقط نسبت به آرای قطعی: اعتراض ثالث تبعی فقط به آرای قطعی قابل طرح است.

ارکان اعتراض ثالث تبعی:

وجود حکم قطعی: حکمی که به آن اعتراض می‌شود باید قطعی شده باشد.

وجود رابطه تبعیت:

بین دعوای اصلی و دعوای ثالث

بین حکم صادره و حقوق وارد ثالث تبعی

عدم حضور در دعوای اصلی: وارد ثالث تبعی باید در دعوای اصلی حضور نداشته باشد.

ضرر و زیان: حکم صادره باید به حقوق مالی یا غیرمالی وارد ثالث تبعی لطمه وارد کند.

مراحل طرح اعتراض ثالث تبعی:

تقدیم دادخواست: وارد ثالث تبعی باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم، دادخواست اعتراض ثالث را به دادگاه صادر کننده حکم تقدیم کند.

رسیدگی به اعتراض: دادگاه پس از دریافت دادخواست، به آن رسیدگی می‌کند.

صدور حکم: اگر دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد، حکم صادره در دعوای اصلی را در حد اعتراض نقض یا ابطال می‌کند.

آثار پذیرش اعتراض ثالث تبعی:

نقض یا ابطال حکم: فقط آن قسمت از حکم که مورد اعتراض قرار گرفته نقض یا ابطال می‌شود.

حضور در دعوای اصلی: اگر وارد ثالث تبعی در دعوای اصلی حضور داشته و فرصت دفاع از حقوق خود را پیدا کرده باشد، حق اعتراض ثالث تبعی را از دست می‌دهد.

عدم ضرر و زیان: اگر حکم صادره به حقوق مالی یا غیرمالی وارد ثالث تبعی لطمه وارد نکند، حق اعتراض ثالث تبعی را ندارد.

تجدید نظر خواهی از حکم اعتراض ثالث تبعی:

اگر حکم صادره در مورد اعتراض ثالث تبعی قطعی نباشد، قابل تجدید نظر خواهی است.

در این صورت، پرونده به شعبه تجدید نظر ارسال می‌شود و شعبه تجدید نظر به اعتراض رسیدگی و حکم نهایی را صادر می‌کند.

اعتراض ثالث

به موجب ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی اگر در خصوص دعوایی رایبی، صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحاب دعوی دخالت نداشته باشد میتواند نسبت به آن رأی اعتراض کند در قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی ۱۳۲۹ قمری اعتراض شخص ثالث پیش بینی شده و معلوم است که این ابداع حقوق فرانسه به طور غیر مستقیم به ما رسیده است اما قانون ما در این قسمت به اجمال قانون فرانسه نیست ترتیب تنظیم دادخواست اعتراض ثالث و مرجع و ترتیب دادرسی آن به قدر کافی در قوانین سابق ما مشخص و در آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ و آیین دادرسی دادگاههای

اثر نسبت به طرفین دعوای اصلی: حکم صادره در مورد اعتراض ثالث تبعی، فقط نسبت به طرفین دعوای اصلی و وارد ثالث تبعی اثرگذار است.

شرایط عدم امکان طرح اعتراض ثالث تبعی:

حکم غیرقطعی: اعتراض ثالث تبعی فقط به آرای قطعی قابل طرح است.

حضور در دعوای اصلی: اگر وارد ثالث تبعی در دعوای اصلی حضور داشته و فرصت دفاع از حقوق خود را پیدا کرده باشد، حق اعتراض ثالث تبعی را از دست می‌دهد.

عدم ضرر و زیان: اگر حکم صادره به حقوق مالی یا غیرمالی وارد ثالث تبعی لطمه وارد نکند، حق اعتراض ثالث تبعی را ندارد.

تجدید نظر خواهی از حکم اعتراض ثالث تبعی:

اگر حکم صادره در مورد اعتراض ثالث تبعی قطعی نباشد، قابل تجدید نظر خواهی است.

در این صورت، پرونده به شعبه تجدید نظر ارسال می‌شود و شعبه تجدید نظر به اعتراض رسیدگی می‌کند.

در ادامه، به برخی از نکات مهم و کاربردی در مورد اعتراض ثالث تبعی اشاره می‌کنم:

شرایط عدم امکان طرح اعتراض ثالث تبعی:

حکم غیرقطعی: اعتراض ثالث تبعی فقط به آرای قطعی قابل طرح است.

دادگاه ثابت کرده الغای حکمی را که بر ضرر او صادر شده است بخواهد. (جلیوند، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۶)

آرای قابل اعتراض ثالث

بر اساس ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی، شخص ثالث حق دارد به هرگونه رأی صادره از دادگاههای عمومی، انقلاب و تجدیدنظر اعتراض نماید. بنابراین، برخلاف فرجام خواهی که تنها نسبت به آرائی که در قانون شمارش شده است امکانپذیر می باشد، و اعاده دادرسی که تنها نسبت به احکام قطعی و نه قرارها می تواند مطرح شود، آراء قابل اعتراض ثالث، هرگونه رأی صادره از دادگاه ها هستند. یعنی انواع قرارها و انواع احکام، اعم از قطعی و غیر قطعی، حضوری و غیابی و همچنین آراء دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر قابل اعتراض شخص ثالث هستند. نکته مهم آن است که اعتراض ثالث نسبت به حکم و قرار صادره از دادگاه نخستین در صورتی ممکن است که از آنها تجدیدنظر خواهی نشده باشد. زیرا با ارائه دادخواست تجدیدنظر، صلاحیت دادگاه نخستین در رسیدگی به دعوا پایان می یابد. در این صورت، شخص ثالث می تواند تا پایان مرحله تجدیدنظر منتظر بماند و در صورت لزوم، به رای مرحله تجدیدنظر اعتراض نماید و یا اینکه در مرحله تجدید نظر به دعوا وارد شود که به آن ورود شخص ثالث گفته می شود. در مقابل، مطرح بودن پرونده در دیوانعالی کشور مانع اعتراض به رای فرجام خواسته نمی شود و دادخواست اعتراض باید به دیوانعالی کشور تقدیم شود^۱.

عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۸ تکمیل شده است. لیکن نسبت به شرط اساسی اعتراض ثالث عبارت ماده ۴۱۷ قانون به مضمون: رأیی صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد مشابه قانون فرانسه است و این عبارت از طرف حقوقدانان فرانسوی مورد تفسیرهای گوناگون واقع شده است. در نظر دادگاههای ما حق اعتراض برای ثالثی متصور است که مدلول حکم صادره با حقوق او تماس و اصطکاک داشته باشد و اگر اصطکاک نداشته و متضرر نشود اعتراض و هم مورد ندارد این معنی در رأی دیوانعالی کشور تصریح شده است و مثال زیر چگونگی آن را روشن میکند فرض کنیم شخص موسوم به (الف) به خواسته ملکی بر شخص دیگری موسوم به (ب) اقامه دعوی کرده و (ب) در دادگاه دفاع میکند که ملک را از ثالثی موسوم به (ج) در تاریخ معین خریداری کرده است. (الف) در دادگاه ثابت میکند که مالک ملک اوست و (ج) از تاریخ معامله او با (ب) مالک نبوده و دادگاه به همین ترتیب که امر ثابت شده است حکم میدهد در این مورد حکم صادره دایر به مالکیت مدعی و محکومیت مدعی علیه در عین حال فساد معامله مدعی علیه و (ج) را هم اعلام می دارد در حالی که (ج) اصولاً داخل معامله نبوده و حکم به فساد معامله بر ضرر اوست زیرا اثر این حکم استحقاق مدعی علیه است در مطالبه ثمن و خسارات از (ج) و عدالت اقتضا میکند که (ج) بتواند صحت معامله خود را با (ب) بر

جلب ثالث اعتراض ثالث و تعهد به نفع شخص ثالث مهمترین اصطلاحاتی هستند که در علم حقوق وجود دارند. (سلیمانی، ستوده ۱۳۹۶: ۳-۴)

مبنای حقوقی اعتراض ثالث

این اعتراض استثنایی بر اصل نسبی بودن احکام دادگاهها، است احکامی که از دادگاهها صادر میشوند نسبت به طرفین و قائم مقام قانونی آنها معتبر است و نسبت به اشخاص ثالث که در دادرسی شرکت نکرده اند هیچ گونه اثری ندارد. مثال شخصی باغ خود را که به ثبت نرسیده و قباله رسمی (ندارد) مدتی ترک میکند و به خارج از کشور می‌رود در غیاب او دیگری باغ را تصرف میکند بعد شخص سوم باغ را از دست متصرف اول خارج میکند متصرف اول علیه متصرف دوم اقامه دادگاه به نفع یکی از آن دو حکم صادر می‌کند پس از مدتی مالک اصلی از مسافرت، آمده، متوجه جریان شده، دعوا میکند. تقدیم دادخواست نموده و به حکم صادره اعتراض میکند

اعتراض ثالث دارای شرایطی به قرار ذیل است:

1- حکم یا قراری صادر شده باشد.

۲ شخص ثالث از حکم یا قرار، متضرر شده باشد.

شخص ثالث به عنوان اصیل یا نماینده در دعوا دخالت نداشته باشد.

آثار اعتراض ثالث

پس از رسیدگی به اعتراض ثالث یکی از دو حالت ذیل ممکن است پیش آید گلدوست جویباری (۱۳۸۶) الف دادگاه رای به عدم ورود اعتراض ثالث میدهد که در این صورت حکم اعتراض شده به اعتبار خود باقی میماند و محکوم له میتواند از معترض ثالث خسارت دادرسی را مطالبه کند.

دادگاه به اعتراض ثالث رسیدگی کرده و اعتراض او را وارد تشخیص میدهد و اگر خود رای داده باشد از رای سابق خود عدول و اگر مرجع بالاتر است آن را فسخ و رای صحیح صادر می‌کند همچنین دادگاه اگر قسمتی از حکم اعتراض شده به منافع معترض خلل وارد میکند آن را الغا و بقیه حکم را به حال خود باقی میگذارد اما اگر مفاد حکم غیر قابل تفکیک باشد تمام حکم را الغا میکند در خصوص تفاوت اعتراض ثالث با ورود ثالث میتوان گفت دعوای ورود ثالث تنها در حین رسیدگی به دعوای اصلی از سوی اشخاص ثالث قابل طرح است در حالی که اعتراض ثالث پس از صدور رای نیز ممکن است.

با توجه به آن چه گفته شد در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی واژه ثالث در عباراتی به کار رفته که آگاهی و شناخت آن ها برای شهروندان از اهمیت بسیاری برخوردار است. در گفت و گو با کارشناسان به بررسی مفاهیم مرتبط با شخص ثالث در دادرسی های مدنی پرداختیم ورود، ثالث

ذکر است که اعتراض ثالث موجب تأخیر اجرای حکم قطعی نمیشود اما در مواردی که جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد دادگاه پس از اخذ تأمین از، ثالث قرار تأخیر اجرای حکم را صادر مینماید که به آن اثر تعلیقی اعتراض ثالث گفته میشود.

شرایط دعوی ورود ثالث

برای اقامه دعوی ورود ثالث میبایست قبلاً دعوی مابین خواهان و خوانده مطرح باشد و دعوای اصلی ما بین مدعی و مدعی علیه اصلی خواهان و خوانده در جریان رسیدگی باشد و اینکه شخص ثالث باید صرفاً مدعی استحقاق حقی در موضوع دعوی اصلی جهت خویش گردد. دعوی ورود ثالث زمانی «اصلی محسوب میگردد که شخص ثالث در موضوع دعوای اصلی مستقلاً "حقی قائل باشد و در صورتی تبعی خوانده میشود که ثالث خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند. در این رابطه بدون تردید میتوان گفت که نفع مذکور اعم است از نفع امری مادی یا نفع معنوی بنابراین همانطوری که در صورت ورود هر گونه خسارت به منفعت امری، مادی ذینفع میتواند جبران خسارت و اعاده وضعیت را بخواهد در رابطه با منافع امور معنوی هم هرگاه مورد تعرض قرار بگیرد ذینفع میتواند درخواست جبران ضرر و زیان وارده را داشته باشد شمس، ۱۳۸۴). این امر نه قانون مسئولیت مدنی بلکه در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ نیز ذکر گردید منافع معنوی یک اثر هنری ابتکاری یا علمی را به رسمیت شناخته و همچنین ابراز میدارد که در حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.»

اگر کسی قبلاً به عنوان نماینده یکی از طرفین دعوا در دادرسی دخالت کرده و علیه او حکم صادر شده باشد و سپس دعوا به او منتقل شود نامبرده نمیتواند بر اثر تغییر سمت به عنوان ثالث به آن اعتراض کند. به احکام و قرارهای زیر میتوان اعتراض کرد

۱- همه احکام و قرارهای صادره از محاکم عمومی و انقلاب و تجدید نظر به شرطی که محل حقوق شخص ثالث باشند. ۲ حکم داور ۳- تصمیم دادگاه در امور حسبی (ماده) ۴۴ قانون امور حسبی) در زمینه مهلت اعتراض ثالث با توجه به ماده ۴۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی میتوان گفت که در موارد زیر شخص ثالث مهلت اعتراض دارد

1- قبل از اجرای حکم ۲ بعد از اجرای حکم به شرطی که ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط نشده است. ۳- پس از رسیدگی به اعتراض ثالث یکی از دو حالت ذیل ممکن است پیش آید (صدرزاده افشار، ۱۳۸۲: ۵۶)

الف- دادگاه رأی به عدم ورود اعتراض ثالث میدهد در این صورت حکم اعتراض شده به اعتبار خود باقی میماند و محکوم له میتواند از معترض ثالث خسارت دادرسی را مطالبه نماید.

ب - دادگاه به اعتراض ثالث رسیدگی کرده اعتراض او را وارد و تشخیص میدهد و اگر قبلاً خود رأی داده از رأی سابق عدول و اگر مرجع بالاتر است آن را فسخ و رأی صحیح را میدهد اگر قسمتی از حکم اعتراض شده به منافع معترض خلل وارد میکند.

آن را الغاء و بقیه حکم به حال خود باقی میماند اما اگر مفاد حکم غیر قابل تفکیک باشد تمام حکم را الغاء مینماید. قابل

که ثالث را جلب می‌نماید، جالب و ثالثی که جلب می‌شود مجلوب ثالث خوانده می‌شود. مثلاً شخص (الف) منزلی را خریداری کرده، شخص (ب) به عنوان این‌که مالک منزل است طرح دعوا علیه (الف) می‌نماید. (الف) که مدعی علیه قرار گرفته، فروشنده (ج) را به دادرسی جلب می‌کند تا پاسخ (ب) را ارائه نماید.

هر یک از طرفین دعوا که جلب ثالثی را لازم بدانند، می‌توانند از دادگاه درخواست جلب او را بنمایند. وی باید تا پایان اولین جلسه دادرسی، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه، دادخواست جلب را تقدیم نماید. چه دعوا در مرحله نخستین و چه در مرحله تجدیدنظر باشد.

شرایط جلب ثالث

(۱) جالب یکی از طرفین دعوا باشد.

(۲) دعوای جلب ثالث با دعوای اصلی مرتبط یا دارای منشاء واحدی باشد.

(۳) اظهار دلایل تا پایان اولین جلسه و تقدیم دادخواست حداکثر ۳ روز بعد از جلسه.

(۴) دعوای اصلی در جریان رسیدگی باشد.

جریان دادرسی پس از تکمیل دادخواست در مورد جلب شخص ثالث، مثل جریان دادرسی اصلی است و شخص ثالثی که جلب می‌گردد خوانده محسوب می‌شود و اگر مدت کافی برای فرستادن دادخواست و رونوشت مدارک برای اطراف دعوا نباشد مدیر دفتر با اجازه رئیس دادگاه، وقت جلسه رسیدگی را تغییر داده و به طرفین ابلاغ می‌نماید. چنانچه دادخواست جلب ثالث رد شود، فقط همراه با حکم راجع به اصل دعوا،

از حیث زمانی امکان ورود ثالث تا زمانی که ختم رسیدگی اعلام نشده باشد وجود دارد چه در مرحله بدوی چه تجدیدنظر اصولاً "ختم دادرسی هم زمانی صورت می‌گیرد دادگاه از رسیدگی و بررسی موضوع خواسته فراغت حاصل نماید در نهایت پس از تجمیع شرایط فوق بایستی دادخواست ورود ثالث با ذکر صریح مقصود از آن تقدیم دادگاه گردد به نظر میرسد تصریح قانونگذار در ماده ۱۳۰ قانون آ.د.م از اینکه در دادخواست منظور خود را به طور صریح اعلان "نماید این بوده که شخص ثالث هدف و علت اقامه دعوی و تقدیم دادخواست خود را مشخص نماید و ابراز نماید آیا ادعای حق مستقلی نسبت به خواسته دارد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوی اصلی ذینفع میداند همچنین عدم تبیین این امر ضمانت اجرای اخطار رفع نقص را به دنبال ندارد بلکه دادگاه باید به این موضوع رسیدگی کند (شهری و حسین آبادی ۱۳۵۸)

جلب ثالث

جلب ثالث یکی از دعوای طاری (عارض شدن دعوایی دیگر در اثنای رسیدگی به دعوای اصلی) است. اصولاً دعوا بین دو نفر خواهان و خوانده مطرح می‌شود و جلب ثالث وقتی روی می‌دهد که طرفین دعوایی که در جریان رسیدگی است یا یکی از آنها، ثالثی را به دعوا می‌خواند تا او را وادار نماید که از اصحاب آن دعوا شود. در این نوشتار کوتاه شرایط، جریان دادرسی و آثار این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جلب شخص ثالث وقتی روی می‌دهد که در جریان رسیدگی به دعوا طرفین یا یکی از آنها، شخص ثالثی را به آن دعوا بخوانند تا او در دعوا داخل شود. بر خلاف وارد ثالث! در جلب ثالث، طرفین علاقمند به حضور وی در دعوا می‌باشند. طرفی

نیز می‌تواند او هم شخص دیگری (مجلوب دوم) را به دادرسی جلب نماید.

۴) هرگاه شخص ثالث در موعد مقرر پاسخ نداده و یا در جلسه حاضر نشود، جالب می‌تواند رسیدگی به دعوا را غیاباً از دادگاه در خواست نماید.^۱

ثالث دعوا و انواع آن در قوانین ایران

در قوانین ایران، "ثالث" به کسی گفته می‌شود که در یک دعوی حقوقی ذی‌نفع نبوده، اما حکم صادره در آن دعوا به طور مستقیم یا غیرمستقیم به حقوق او لطمه وارد می‌کند.

ثالث می‌تواند به دو دسته اصلی تقسیم شود:

۱. ثالث اصلی:

کسی است که حکم صادره به طور مستقیم به حقوق مالی یا غیرمالی او لطمه می‌زند. در دعوی اصلی حضور نداشته و فرصت دفاع از حقوق خود را پیدا نکرده است. می‌تواند نسبت به تمام حکم صادره اعتراض کند.

۲. ثالث تبعی:

کسی است که حکم صادره به طور غیرمستقیم به حقوق مالی یا غیرمالی او لطمه می‌زند. در دعوی اصلی حضور نداشته و فرصت دفاع از حقوق خود را پیدا نکرده است. فقط می‌تواند

قابل تجدیدنظر می‌باشد و اگر قرار ردّ در مرحله تجدیدنظر فسخ گردید، رسیدگی پس از فسخ در دادگاه تجدیدنظر انجام می‌گیرد و این استثنایی بر اصل عدم رسیدگی در دادگاه تجدید نظر است. اگر هر دو دعوا با هم رسیدگی شود، دادگاه حکم صادر می‌نماید. در این حکم ممکن است دو محکوم‌علیه و دو محکوم‌له وجود داشته باشد. بدین معنی که خوانده اصلی در برابر خواهان اصلی، محکوم شده و ثالث در برابر خوانده اصلی محکوم گردد. و ممکن است خوانده اصلی و ثالث هر دو در برابر خواهان اصلی، محکوم شوند. این احتمال هم وجود دارد که هر یک از خواهان یا خوانده اصلی محکوم شده و شخص ثالث محکوم نشود. در صورتی که ثالث محکوم شود، خسارات دادرسی دعوی جلب ثالث به وی تحمیل می‌شود و در غیر این صورت خسارات دادرسی که به او وارد شده به وسیله جالب باید جبران گردد.

آثار جلب ثالث

۱) اطلاع دادرسی: چون دادخواست، باید مانند دادخواست اصلی مقدمات خود را طی کند و دادگاه به جای رسیدگی به یک دعوا به دو دعوا رسیدگی می‌کند.

۲) انحراف قاعده صلاحیت محلی.

۳) مجلوب خوانده محسوب می‌گردد. پس اگر مدعی امری شود که نیازمند دلیل است اثبات امر به عهده او می‌باشد. و

۲- مدنی، جلال‌الدین، آیین دادرسی مدنی، تهران، پایدار، ۱۳۷۹، ج اول، ج ۲، ص ۵۰۷-۵۰۴.

۳- صدرزاده افشار، محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۹، چ هفتم، ص ۲۷۵-۳۷۲.

۱- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، تهران، دراک، ۱۳۸۴، چ اول، ج ۳، ص ۴۹-۵۴.

ثالث^۱ گفته می‌شود، حق می‌دهد تا نسبت به حکم صادره اعتراض کند.

مفهوم وارد ثالث تبعی

وارد ثالث تبعی کسی است که در دعوی اصلی حضور نداشته و حکم صادره به طور غیرمستقیم به حقوق او لطمه می‌زند. به عبارت دیگر، منافع او به واسطه نتیجه دعوی اصلی تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

شرایط طرح اعتراض ثالث تبعی

برای طرح اعتراض ثالث تبعی، باید شرایط زیر وجود داشته باشد:

حکم صادره در دعوی اصلی قطعی شده باشد.

وارد ثالث تبعی در دعوی اصلی حضور نداشته باشد.

حکم صادره به طور غیرمستقیم به حقوق مالی یا غیرمالی وارد ثالث تبعی لطمه بزند.

مراحل طرح اعتراض ثالث تبعی

تقدیم دادخواست: وارد ثالث تبعی باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم، دادخواست اعتراض ثالث را به دادگاه صادر کننده حکم تقدیم کند.

رسیدگی به اعتراض: دادگاه پس از دریافت دادخواست، به آن رسیدگی می‌کند. در این مرحله، دلایل و مستندات وارد ثالث

نسبت به آن قسمت از حکم که به حقوق او لطمه وارد می‌کند، اعتراض کند.

مراحل طرح اعتراض ثالث:

تقدیم دادخواست: ثالث باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم، دادخواست اعتراض ثالث را به دادگاه صادر کننده حکم تقدیم کند.

رسیدگی به اعتراض: دادگاه پس از دریافت دادخواست، به آن رسیدگی می‌کند.

صدور حکم: اگر دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد، حکم صادره در دعوی اصلی را در حد اعتراض نقض یا ابطال می‌کند.

آثار پذیرش اعتراض ثالث:

نقض یا ابطال حکم: فقط آن قسمت از حکم که مورد اعتراض قرار گرفته نقض یا ابطال می‌شود. اثر نسبت به طرفین دعوی اصلی: حکم صادره در مورد اعتراض ثالث، فقط نسبت به طرفین دعوی اصلی و ثالث اثرگذار است.^۱

مفهوم اعتراض ثالث حکمی از طرف وارد ثالث تبعی

در نظام حقوقی ایران، گاهی اوقات ممکن است حکمی که در یک دعوی حقوقی صادر می‌شود، به طور ناخواسته به حقوق شخص ثالثی که در آن دعوا حضور نداشته، لطمه وارد کند. در چنین مواردی، قانون به این شخص ثالث که به او "وارد

نظریه مشورتی شماره ۷۶۶۳/۷ مورخ ۱۳۷۶ اداره حقوقی قوه قضائیه

۱ ماده ۴۲۲ تا ۴۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی

لذا توصیه می‌شود که در این خصوص از یک وکیل مجرب و متخصص در امور دعاوی حقوقی کمک بگیرید^۱.

نتیجه گیری

اعتراض ثالث تبعی یکی از طرق قانونی برای احقاق حقوق اشخاصی است که در دعاوی حقوقی حضور نداشته‌اند، اما حکم صادره به طور غیرمستقیم به حقوق آنها لطمه وارد می‌کند. این حق قانونی، فرصتی برای این افراد فراهم می‌کند تا نسبت به حکمی که در حق آنها ظلم شده است، اعتراض کنند و از تضییع حقوق خود جلوگیری کنند. مراحل و شرایط طرح اعتراض ثالث تبعی در قانون آیین دادرسی مدنی به طور دقیق مشخص شده است. از جمله این شرایط می‌توان به قطعی شدن حکم در دعاوی اصلی، عدم حضور وارد ثالث تبعی در آن دعاو و وجود رابطه تبعیت بین حکم و حقوق وارد ثالث تبعی اشاره کرد.

اثبات وجود رابطه تبعیت بین حکم و حقوق وارد ثالث تبعی، از مهمترین ارکان طرح این اعتراض است. این رابطه باید به گونه‌ای باشد که حکم صادره، به طور غیرمستقیم به حقوق مالی یا غیرمالی وارد ثالث تبعی لطمه وارد کند.

نقش وکیل در طرح اعتراض ثالث تبعی بسیار حائز اهمیت است. پیچیدگی‌های حقوقی این موضوع و ظرافت‌های قانونی موجود در آن، ضرورت استفاده از یک وکیل مجرب و متخصص را در این زمینه آشکار می‌کند.

تبعی بررسی می‌شود و طرف مقابل نیز می‌تواند لایحه دفاعیه خود را ارائه دهد.

صدور حکم: اگر دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد، حکم صادره در دعاوی اصلی را در حد اعتراض نقض یا ابطال می‌کند. در غیر این صورت، دادخواست رد می‌شود.

آثار پذیرش اعتراض ثالث تبعی

نقض یا ابطال حکم: فقط آن قسمت از حکم که مورد اعتراض قرار گرفته نقض یا ابطال می‌شود.

اثر نسبت به طرفین دعاوی اصلی: حکم صادره در مورد اعتراض ثالث تبعی، فقط نسبت به طرفین دعاوی اصلی و وارد ثالث تبعی اثرگذار است.

تجدید نظر خواهی از حکم اعتراض ثالث تبعی

حکم صادره در مورد اعتراض ثالث تبعی، قابل تجدید نظر خواهی است. در این صورت، پرونده به شعبه تجدید نظر ارسال می‌شود و شعبه تجدید نظر به اعتراض رسیدگی و حکم نهایی را صادر می‌کند.

نقش وکیل در اعتراض ثالث تبعی

طرح اعتراض ثالث تبعی، امری تخصصی و پیچیده است که نیاز به دانش و تخصص حقوقی دارد.

نظریه مشورتی شماره ۷۶۶۳/۷ مورخ ۱۳۷۶ اداره حقوقی قوه قضائیه

۱ ماده ۴۲۲ تا ۴۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی

- جعفری لنگرودی محمد جعفر مبسوط در ترمینولوژی حقوق ، جلد دوم، انتشارات گنج دانش ۱۳۷۸

- دولاح عبد الصمد. اعتراض شخص ثالث در دادرسی مدنی، انتشارات نشر دادگستر تهران چاپ دوم

- زراعت، عباس قانون آیین دادرسی مدنی در نظام حقوقی ایران، انتشارات خط

- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، تهران، دراک، ۱۳۸۴، ج اول، ج ۳

- شهیدی، مهدی. "حقوق مدنی، آثار قراردادهای و تعهدات، تهران، انتشارات مجده، ج ۳، چاپ اول، ۱۳۸۲.

- صدرزاده افشار، محسن آیین دادرسی مدنی و بازرگانی تهران جهاد دانشگاهی، چاپ هفتم، ۱۳۸۲.

- صدرزاده افشار، محسن، ۱۳۷۹ آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، جهاد دانشگاهی،

- صفایی، سید حسین دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادهای تهران نشر میزان، ج ۲، چاپ اول، ۱۳۸۲. - عمید، حسن فرهنگ فارسی عمید، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ ۳۳ ۱۳۸۴.

۱۲- غفاری، جلیل آیین دادرسی مدنی، جلد دوم انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۴.

- قربانی، فرج الله.. " مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی"، ۱۳۸۴.

- کریم زاده احمد نظارت انتظامی در مقام قضایی، جلد اول، انتشارات آیدا. ۱۳۷۶.

- گلدوست جویباری، رجب آیین دادرسی"، تهران، نشر جنگل، چ ۱ ۱۳۸۶.

- مدنی، جلال الدین، ۱۳۷۹ آیین دادرسی مدنی، تهران، پایدار، چ اول، ج ۲ 1386.

- احمدی نعمت آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات اطلس، چاپ اول، ۱۳۷۵.

- جلیل وند یحی، ۱۳۸۵، مجله کانون وکلا.

- شمس عبدالله آیین دادرسی مدنی، انتشارات دراک، تهران چاپ هشتم جلد سوم.

مهلت طرح اعتراض: وارد ثالث تبعی باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم، دادخواست اعتراض ثالث را به دادگاه صادر کننده حکم تقدیم کند.

اثر پذیرش اعتراض: اگر دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد، حکم صادره در دعوی اصلی در حد اعتراض نقض یا ابطال می شود.

تجدید نظر خواهی: حکم صادره در مورد اعتراض ثالث تبعی، قابل تجدید نظر خواهی است.

نقش وکیل: استفاده از وکیل مجرب و متخصص در این زمینه، می تواند به شما در طرح صحیح اعتراض و احقاق حقوق خود کمک کند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می شود.

از آقای دکتر عبدالله عزیززاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می شود.

نگارندگان بر خود لازم می دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- افسران، قاسم علوی ابوذر آیین دادرسی مدنی در آئینه نمودار تهران نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۸۵.